



۰۸/۰۵/۲۰۱۶



محمد علی سمیع

## اشرف غنی و جنگ او در چند سوی میدان!

سخن رانی رئیس جمهور غنی به تاریخ 6 ثور 1395، در ارتباط به حادثه 31 حمل سال جاری در شهر کابل مسیر جدیدی سیاسی- نظامی افغانستان را رقم زد. این مسیر پارامتر های جنگ بر علیه تروریسم و طالبان و آوردن صلح در منطقه و کشاندن ایشان به میز مذاکره را شکل متفاوت خواهد بخشید. اشرف غنی رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان این راهکار را از بهترین و مقدس ترین مظهر نظام سیاسی کشور که همانا شورای ملی میباشد آغاز نمود. اینجا نمی خواهم در مورد سخن های رئیس جمهور موضعگیری های مخالف و موافق داشته باشیم بل در نوشته هذا بر شماری تحولات و تغییرات داخلی و ربط آن با کشور ها و عناصر خارجی و منطقوی را باید متوجه و پیش بین باشیم. بلی مردم از رئیس جمهور غنی تنها عمل میخواید، اما همچو علاقمندان عرصه سیاست و روابط بین الملل باید رخداد های بعد از انجام، فایده و نقصان آنرا پیشبینی و تخمین نمایم تا باشد که در عمل انجام شده قرار نگیریم و پشیمان از طرفداری و یا هم مخالفت های امروزی خود نباشیم.

بهتر است تا از چرخش ها و تغییراتی که بعد از به میان آمدن حکومت وحدت ملی در افغانستان رو نما گردیده آغاز نمایم. اگر ژرفنگرانه به اقدامات و برنامه های ارگ و حکومت امروزی بنگریم، پس بشکل واضح معلوم میشود اشرف غنی و تیم کاری اش متفاوت از حامد کرزی و تیم کاری او میباشد که ذیلاً به آن پرداخته میشود:

اولتر از همه اشرف غنی در ماه های

اول کاری خود جرئت پرده برداری از قراردادستن افغانستان در جنگ نا اعلان شده با پاکستان را نمود، اما حامد کرزی در تقریباً 14 سال زعامت خود چنین جرئت را نتوانست.

دوم اینکه اشرف غنی در 18 ماه اول

کاری خود و یکبار سفر به پاکستان (آن هم جهت اشتراک در کنفرانس قلب آسیا)، امید گدائی صلح از پاکستان را برید و به جستجوی آن در داخل افغانستان با تکیه به امکانات دست داشته افغانی و کوبیدن درب شورای امنیت سازمان ملل و جهانی ساختن جنگ نا اعلان شده افغانستان - پاکستان آغاز نمود. نباید فراموش کرد که حامد کرزی در دوران کاری اش، 19 بار کاسه گدائی صلح برای افغانستان را به پاکستان برد اما با آنکه لعل بدست نیامد، دل یار (مردم افغانستان) همواره رنجید و رنجیده ماند.

سوم اینکه تعریف از دشمن را

همچنان در همین 18 ماه روشن ساخت. اول اینکه طالبان مخالفین سیاسی حکومت افغانستان هستند، این بهترین پیشنهاد به طالبان بود تا دست از جنگ برداشته به مبارزه سیاسی و مسالمت آمیز بپردازند. مثلاً اگر اندکی هم عقل و درایت در طالبان باقی میبود پس در راستای برگشت باآبرو به روند سیاسی کشور، از تفاهمنامه دند غوری که میان نمایندگان طالب، والی و رئیس شورای ولایتی ولایت بغلان و وزیر سرحدات و اقوام و قبائل حکومت صورت گرفت استفاده چشمگیری میکردند، اما دیدیم که طالبان کاکه و سرچپه لگیا شدند. اما بعد از اینکه نتیجه قابل ملاحظه در عرصه صلح و ختم جنگ از ایشان رونما نگردید، ایشان را در قطار دشمنان مردم افغانستان نیز شامل ساخته به قبول و تطبیق حکم اعدام ایشان پرداخت. این در حالیست که تیم قدیم در 13 سال برای طالبان برادر خطاب نموده ایشان را آزاد ساخت.

رئیس جمهور غنی در سخنرانی اخیر و تاریخی اش در شورای ملی در مورد دشمنان افغانستان گفت "دشمنان افغانستان عبارت اند از گروه های اجیر خارجی مانند داعش، القاعده و گروه های آدم گش حقانی و برخی از طالبان که از ریختن خون هموطنان خود لذت میبرند و به جنگ و دهشت افگنی ادامه می دهند".

و در مورد دوستان افغانستان "دوستان افغانستان همه شهروندان کشور اعم از طرفداران نظام، بیطرفان و اپوزیسیون سیاسی حکومتند که دارای دیدگاه و مواضع مختلف سیاسی هستند، اما به منافع علیای ملی پایبندی دارند و در حد توان خود از آن حفاظت و حراست میکنند".

تعریف رئیس جمهور غنی از دشمنان مردم افغانستان در اینجا خلاصه نمی شود. او همچنان خاطر نشان میسازد که "دشمنان افغانستان آنانی اند که از احساسات پاک مذهبی جوانان ما سوء استفاده میکنند و خود شان بخشی از مافیای مواد مخدر بوده، و از این راه به ثروت اندوزی و عشرت مشغولند".

او در ادامه به دستان غرض آمیزی که در داخل حکومت وجود دارد، نیز اشاره نموده ذیلاً آنرا نقل می نمایم:

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

"کسانی که به این وحدت لطمه می زنند و در عین قرار داشتن در متن نظام و حکومت، و با استفاده از منابع آن، آب در آسیاب دشمن میریزند، و به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در جنگ روانی با دشمنان این آب و خاک همسو می شوند، در مورد آنان ارفاق و مصلحت بیشتر صورت نخواهد گرفت."

در کل نزد رئیس جمهور غنی بر علاوه داعش، تروریست ها و طالبان، دو گروه دیگر نیز در قطار دشمنان افغانستان شامل می باشد. یکی آن مافیای مواد مخدر که از این راه در ثروت اندوزی و عشرت مشغولند و دیگر همچنان کسانی که در متن نظام و حکومت قرار دارند و آب در آسیاب دشمن میریزند.

اینجاست که تعریف از دشمن دوباره پیچیده میشود. نه تنها پیچیده میشود که اگر بیش تر به آن بیچیم حتی دخالت کشور های بیرونی و منطقوی را نیز در آن ردیابی می توانیم.

اگر روشن تر بگوئیم، پس رئیس جمهور غنی با آغاز راهکار جدید در عرصه نابودی دشمنان افغانستان با آنکه حمایت افغانها را بدست آورد، وارد چالش و کشمکش های رسانه ای و سیاسی با گروه های داخلی و خارجی نیز شده است. این گروه گروه های اگر چه از همدیگر خیلی متفاوت میباشند، اما منافع و بقای ایشان در بقای یکی دیگر ایشان بسته می باشد. یکی آن طالبان و همکاران تروریستان می باشد که هم در جنگ رویا روی با حکومت قرار دارند و هم دارای طرفداران هم مفکوره در داخل حکومت. دوم عبارت اند از جنگ سالاران، مسلح و مسلح داران غیر مسؤول، استفاده جو های که در هر شرایط و نظام در متن قرار داشته گاه کمونیست و گاه مجاهد و گاه طالب و گاه آمریکائی و گاه هم قوم پرست که از شرایط نا امن و دشواری حکومت استفاده کرده به تنومند سازی ریشه های اقتصادی و قدرت های منطقوی و سمتی خود در برابر حکومت مرکزی و خلاصه در نامشروع سازی و نیم بند خوانی حکومت مرکزی گسترش و بقای سیاسی، نظامی و مالی خود را می بینند. این گروه نیز همچو طالبان از یکسو در متن نظام قرار دارد و از سوی دیگر در گوشه-گوشه و چهار سمت کشور مخالفین و مسلح های غیر مسؤول خود را دارا میباشند که با استفاده از آنها به تجارت های غیر رسمی، تحت فشار گرفتن حکومت های محلی و چپاول دارانی ها و املاک عامه مشغول بوده در ثروت اندوزی و عشرت بسر میبرند. این دو گروه از آنجا در بقای یکی دیگر خود نقش دارند که اگر هر یکی ایشان نابود گردد، پس حکومت مرکزی به امکانات دست می یابد که دیگرش را بزود ترین فرصت نابود سازد. یعنی حکومت در میان دو سنگ آسیاب قرار دارد، و نابودی یکی از این گروه ها باعث دستیابی حکومت بر جبهه عقبی مطمئن و قابل اعتبار میشود. اینجاست که سنگ دیگر آسیاب را نیز یا نابود می سازد و یا هم مطابق میل خود می چرخاند.

باز هم فراموش نباید کرد که در ایجاد نا امنی های حلقوی و زنجیری در افغانستان تنها گروه های داخلی و قومی افغانی دخیل نمی میباشند. از آنجاییکه پروژه ایجاد افغانستان نوین از بن تا امروز پروژه غربی و آمریکائی می باشد، قدرت های بزرگ منطقوی که بیرون از حلقه ناتو و جهانی شدن (Globalization) آمریکائی میباشند، نفع و یا هم دوباره برپا سازی پرستیژ بین المللی و منطقوی خود را در ناکام سازی حکومت های برپا شده توسط بلاک غرب همچو افغانستان، عراق و لیبیا می بینند. مثلاً پاکستان در گسترش نا امنی ها در افغانستان کوشش دارد تا به جهانیان تلقین نماید که کلید راه حل افغانستان پاکستان می باشد و هر پروژه و برنامه که وجود دارد باید همچو دوران جهاد و جنگ های داخلی افغانستان از کانال های حکومتی و استخباراتی پاکستان پیاده شود. در عین حال هندوستان با حمایت ستراتیژیک از حکومت افغانستان، کوشش میکند از یکسو پاکستان را در افغانستان مصروف نگه دارد و از سوی دیگر به پاکستان بفهماند که هند قدرت بزرگ منطقوی می باشد و باید مورد تکریم قرار گیرد. هندوستان همچنان در بقای ریشه های اکمالاتی و تمویلی طالبان از پاکستان، به تعقیب و تطبیق دیپلماسی جهانی و منطقوی می باشد که بتواند پاکستان را در بازی های منطقوی منزوی و بدنام ساخته با جهان غرب، چین، روسیه و ایران صفحه جدید روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی را باز نماید که در چنین یک حالت هند به یگانه قدرت در جنوب آسیا تبدیل میشود. به همین ترتیب کشور های دیگر همچو چین، روسیه، ایران و ... نیز در این قضیه به نحو دخیل بوده هدف مشخص را تعقیب می نمایند که به آن در مقاله مخصوص و جداگانه خواهیم پرداخت.

از همینجاست که طرح رئیس جمهور در ارتباط به صلح و جنگ و در اولویت قرار دادن جنگ در برابر دشمن و نبشیدن ایشان و همسوهایشان از یک سو مورد قبول و استقبال مردم و طرفداران واقعی صلح تمام شد و از سوی دیگر مورد انتقاد و بی محتوا خوانی عناصر نامشروع فوق الذکر افغانی و غیر افغانی قرار گرفت.

مثلاً رسانه ها در پاکستان نشر نمودند که حکومت افغانستان صلح بکار ندارد و میخواهد در جنگ با طالبان باقی بماند. و سرتاج عزیز مشاور امنیتی صدراعظم ایشان با وضاحت و فصاحت کامل بیان نمود که حکومت پاکستان در برابر طالبان افغانی در خاک آتشکور اقدام نمی نماید.

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

این مسئله به وضاحت کامل در موضعگیری های اخیر سخن گویان و طرفداران این دو گروه (دشمنان مردم افغانستان) نمایان گردیده است. همین که رئیس جمهور در 6 ثور راهکار جدید حکومتش را بیان نمود، سخن گویان و فعالان اجتماعی ایشان در شبکه های اجتماعی و تلویزیونی یا به بی محتوا بودن و غیر تاریخی بودن سخنرانی رئیس جمهور غنی پرداختند و یا هم اینکه طرفداران طالبان و اندیوالان استخبارات پاکستان و کشور های منطقه در همسویی با رسانه ها و سیاست مداران آنکشورها به زیر سؤال قرار دادن نیت رئیس جمهور غنی و حکومت او در عرصه آوردن صلح و آشتی با طالبان پرداخته میگویند که حکومت افغانستان اشتباه تاریخی را متقبل شده و بجای صلح به جنگ رو آورده است. این دو گروه با دوستان شان میخوانند تا با چنین موضعگیری های خود، اشرف غنی را از مردم دور و در داخل حکومت منزوی کنند. فرضیه قابل غور دیگر نیز در این مورد بکار رفته میتواند. آنهای که در متن نظام و حکومت اما در حقیقت با دشمنان در همسویی قرار دارند، آهسته آهسته دست به بعضی مسائل خواهند زد که باعث بدنامی حکومت و منزوی شدند رئیس جمهور در داخل و بیرون نظام شود. برای تضعیف رئیس جمهور و حکومت تفاهم ننمودن در مسائل حکومتی، سرکشی از قانون، سربخودگرائی های گوناگون و مردم آزاری ها بهترین وسیله ها میباشند. هر فرد حکومتی که برای دشمنان مردم افغانستان خدمت میکند از توانائی ها جهت عملی سازی عناصر فوقالذکر برخوردار میباشد، مخصوصاً در حال حاضر که ولایت ها، سمت ها و مسلح های غیر مسؤول و بی شمار هم در اختیار دارند.

حال با مد نظر گرفتن تمامی قرینه ها و دلایل فوق، باید گفت که رئیس جمهور غنی با آغاز راهکار جدید حکومتش، با وجود اینکه به صدای مردم بیچاره و مظلوم افغانستان گوش داده و مطابق میل ایشان تصمیم اتخاذ نموده است، وارد میدانی گردیده که در چند سوی آن باید رزمید. او حتی باید متوجه اشخاص و گروه های نزدیک به خود نیز باشد، زیرا در چنین یک میدان و جنگ، تشخیص نقاط آسیب پذیر کاری بسا دشوار بشمار میرود. از یک سو او در داخل کشور و نظام با گروه های گوناگون خود را درگیر ساخته و از سوی دیگر با وجود آنکه به نحوی با بعضی از کشور ها به شکل غیر مستقیم در گیر میباشد، حکومتش در مذاکرات چهار جانبه صلح اشتراک نمی ورزد. از سوی هم باید مد نظر گیرد تا بسیاری از عناصر موافق، مخالف فوق الذکر که هم در بیرون و در درون نظام قرار دارند، از روابط خیلی عمیق استخباراتی با کشور های دخیل در قضایای افغانستان برخوردار میباشند. این رابطه ها گذشته چهار ساله با تجارب ناکام و نابود سازی رئیس جمهورانی همچو سردار محمد داؤود، نور محمد ترکی، حفیظ الله امین، ببرک کارمل و داکتر نجیب الله و حکومت و اردوی مقتدر افغانی را دارا میباشند. اگر امروز سرد شده اند دوباره گرم هم شده میتوانند.

اشرف غنی در این بازی میخواهد تا به جهانیان بفهماند که جانب افغانستان صلح میخواهد، اما جانب پاکستان که حامی اصلی هراس افگنان و طالبان در منطقه میباشد، نه تنها که صلح نمیکند بل در تضعیف حکومت افغانستان و گسترش هراس افگنی در افغانستان و منطقه نفع دراز مدت و ستراتیژیک خود را دنبال دارد. بلی این کار رئیس جمهور غنی خیلی ستراتیژیک به نظر میرسد. یعنی او میخواهد به روند جنگ علیه طالبان و تروریزم جهانی در افغانستان شیوه و نحوه افغانی و جدیدی دهد. بدون پاکستان و دخالتش میخواهد با دنیا در این مورد مذاکره و سیاست نماید تا باشد که افغانستان هم بتواند پاکستان را در عمل های انجام شده قرار داده به دنبال خود بکشاند. در 15 سال گذشته میدان جنگ، قربانی و فلاکت علیه تروریزم و طالبان افغانستان اما محور و مرکز بحث و برنامه نابودی این گروه در گرو پاکستان بوده است.

نرمش حکومت حامد کرزی در برابر پاکستان و طولانی سازی مذاکرات صلح بی معنی و نتیجه، باعث شد تا کشور های جهان بی علاقه شده نقش میانجیگر را در موضوع اختیار نمایند و مسئله را بیشتر مربوط به سیاست خارجی افغانستان و پاکستان پندارند تا جهانی و بین المللی. از آنجاییکه از جانب افغانستان هیچ نوع ابتکار قابل ملاحظه و کارا در عرصه تحت فشار قرار دادن پاکستان صورت نگرفته است، پاکستان و حکومتش آهسته آهسته به همچو دلبر یکدانه، دردانه و نازدانه سیاسی تبدیل شد. و همچنان با بوسه های بی پیغام و عشوه نمائی های افسونگرانه به گسترش بی نظمی و ناکا سازی حکومت افغانستان و پروژه بین المللی تحکیم صلح در منطقه پرداخته است.

اما رئیس جمهور غنی چنانکه در فوق هم اشاره نمودیم، کرزی نیست. او به این روند 15 ساله میخواهد نقطه پایان گذاشته صفحه جدیدی را در زمینه آغاز نماید. مسلماً از برای متیقن سازی کشور ها و طرف های مطرح در منطقه باید فعالانه کار نمود تا باور و اعتبار را در زمینه بدست آورده، ایشان را متیقن سازد که نفع بیشتر و دراز مدت شان در افغانستان امن و بدون جنگ نهفته است نه در افغانستان پارچه پارچه و بی ثبات. این از آنجا مهم است تا

د پاپو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

ایشان ضرورت به استفاده از عناصر غیر مشروع در افغانستان را احساس نکنند. تا پاکستان بی جواب بماند، مجبور گردیده از یکه تازی ها دست بکشد، به دمیاله روی رو بیارود و ابتکار عمل به دست افغانستان بافتد. اما از همه اولتر باید عناصر مشکوک و نا مشروع داخلی که در فوق به آنها اشاره نمودیم را شناسائی و دست غرض ایشان را در عرصه تصمیم گیری ها کوتاه نماید. پاکستان و حکومتش تنها از راه طالبان با افغانستان مذاکره می نماید، مبارکشان باد، اما کشور های دیگر در منطقه هنگامی به استفاده از عناصر نا مشروع در افغانستان استفاده میکنند که یا از جانب افغانستان و چرخش های حکومتی اش هراسان شوند و یا هم حکومت افغانستان ابتکار عمل را در مسائل ملی و بین المللی از دست دهد. پس باید هوشیار و ژرف نگرانه قدم گذاشت تا کامیابی و فرخ روزی نصیب گردد!

**نویسنده: محمد علی سمیع**

**محصل دور دوکتورا در پوهنتون کورویوس بوداپست – دیپارتمنت اقتصاد جهانی و گرداننده بورده افغانستان در سازمان تحقیقاتی سیاست امنیتی و دفاعی در هنگری**

Author: Mohammad Ali Samay

PhD student in Corvinus University of Budapest - Dept. of World Economy & Director of the Afghanistan Research Group in Center for Security and Defense Studies (CSDS) in Hungary

---

د پانیو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ